



Analysis and review Hadiths of Difference of Recitation in the Traditional Interpretation of Al-Burhan *

Mohammad Reza Pircheragh ^۱

Morteza Ghasemi Hamed ^۲

Bashir Salimi ^۳



Abstract

Al-Burhan by Seyyed Hashem Bahrani is one of the most important interpretations of Shia proverbs in the first half of the ۱۱th century. The interpretation of bel-Ma'thur or narration is one of the oldest types of interpretation that was formed to explain the divine verses. This method reached its peak in the ۱۱th century with the spread of the realm of Akhbarism over Shiite scientific fields. Al-Burhan's interpretation is considered among the purely narrative Interpretations and includes all the surahs of the Quran also the hadiths passed down from the imams (pbuh) have been compiled without the author's comments, and there are narrations from the infallibles (pbuh) regarding differences in reading, pronunciation, or the type of revelation. Categorizing and criticizing different types of narrations of differences in reading in Al-Burhan is the main topic of this research, which is investigated by descriptive-analytical method. The results of the research showed that, firstly: the types of narrations of different readings in this interpretation include changes in the appearance, and advance and delay, or shifting of words, addition or reduction of words or sentences during the verses, addition of the names of imams in the verses, and Mazji interpretations. Secondly: In terms of impact on the meaning, the narrations of difference readings in Al-Burhan are in two categories: readings that do not affect the meaning and readings that are effective in the meaning. Thirdly: The review of al-Burhan shows that the narratives of Mazji's interpretation, which was a source of disagreement in reading in the beginning of Islam, were also reflected in al-Burhan due to its purely narrative nature such as the traditions of adding or subtracting a word or sentence during the verses, or the traditions of adding the names of imams in the verses, which are often distorted from the point of view of the document and are considered among the Mazji's interpretations. Fourthly: Under some verses in this commentary, weak readings have been used, which these recitations do not have the authority of the Qur'an and the Holy Qur'an is immune from any distortion.

Keywords: al-Burhan fi Tafsir al-Qur'an, Seyyed Hashem Bahrani, differences in reading, Tafsir bel-Ma'thur, criticism of reading.

*: Date of receiving: November ۰۵, ۲۰۲۱, Acceptance date: May ۲۱, ۲۰۲۲

۱. Assistant Professor at Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran. (Corresponding Author)/ m.pircheragh@isr.ikiu.ac.ir

۲. Assistant Professor at International University of Islamic Denominations, Tehran, Iran/
m.ghasemihamed@mazaheb.ac.ir

۳. PhD at Quranic and Hadith Sciences, Quran and Hadith University, Tehran, Iran/
theologypnu@gmail.com



مقاله علمی - پژوهشی

واکاوی و بررسی روایات اختلاف قرائت در تفسیر مآثور البرهان *

محمد رضا پیر چراغ ** مرتضی قاسمی حامد *** بشیر سلیمی ****



چکیده

البرهان سید هاشم بحرانی از جمله مهم‌ترین تفاسیر مآثور شیعه در نیمه اول قرن یازدهم قمری است. تفسیر مآثور یا روایی از قدیمی‌ترین گونه‌های تفسیری است که برای تبیین آیات الهی شکل گرفته است. این روش، در قرن یازدهم با رواج قلمرو اخباری‌گری بر حوزه‌های علمی شیعه، به اوج خود رسید. تفسیر البرهان در زمره تفاسیر مآثور محض محسوب می‌شود و شامل همه سُر قرآن بوده و روایات منقول از ائمه (ع) بدون اظهار نظر مؤلف گردآوری شده است و در آن روایاتی از معصومان (ع) در باب اختلاف قرائت، شیوه تلفظ، یا نوع نزول به چشم می‌خورد. دسته‌بندی و نقد انواع روایات اختلاف قرائت در البرهان، موضوع اصلی این پژوهش است که با روش توصیفی - تحلیلی به بررسی آن پرداخته می‌شود. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که اولاً؛ انواع روایات اختلاف قرائت در البرهان شامل: تغییر در شکل ظاهری و تقدیم و تأخیر یا جابه‌جایی کلمات، اضافه یا کم شدن کلمه یا جمله در خلال آیات، افزودن نام ائمه در آیات، و تفسیر مزجی است. ثانیاً؛ از نظر تأثیرگذاری در معنا، روایات اختلاف قرائت در البرهان در دو دسته قرائت‌های بی‌تأثیر در معنا و قرائت‌های مؤثر در معنا جای دارد. ثالثاً؛ بررسی البرهان، نشان می‌دهد روایات تفسیر مزجی که در صدر اسلام مایه اختلاف قرائت می‌شده است، در این تفسیر نیز به دلیل ماهیت روایی محض بودن آن انعکاس یافته است، مانند روایات اضافه یا کم شدن کلمه یا جمله در خلال آیات، و یا روایات افزودن نام ائمه در آیات، که غالباً از نظر سندی مخدوش می‌باشند. رابعاً؛ ذیل برخی از آیات در این تفسیر از قرائت‌های ضعیف استفاده شده است که این قرائت‌ها حکم قرآن را ندارند و قرآن کریم از هرگونه تحریفی مصون می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: البرهان فی تفسیر القرآن، سید هاشم بحرانی، اختلاف قرائت، تفسیر مآثور، نقد قرائت.

*. تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۸/۱۴، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۲/۳۱

** استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران (نویسنده مسئول) /

m.pircheragh@isr.ikiu.ac.ir

*** استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه بین‌المللی مذاهب اسلامی، تهران، ایران /

m.ghasemihamed@mazaheb.ac.ir

**** دکترای علوم قرآن و حدیث دانشگاه قرآن و حدیث، تهران، ایران / theologypnu@gmail.com

مقدمه

بیان روایات تفسیری پیامبر (ص)، ائمه (ع) و صحابه، مهم‌ترین عامل پیدایش تفسیر ماثور است. در این نوع تفسیر، با قبول مبنای حجیت سخنان پیامبر (ص) و اهل بیت (ع)، و تأمل در اعتبار یا حجیت سخنان صحابه و تابعان، روایات مرتبط ذیل آیات قرآن ذکر می‌شود که بسته به اظهار نظر یا عدم اظهار نظر مؤلف در فهم آیات، به دو گونه محض و غیر محض تقسیم شده‌اند (معرفت، التفسیر و المفسرون، ۱۴۱۸: ۵۲۸/۲؛ بابایی، مکاتب تفسیری، ۱۳۸۱: ۲۴/۱-۲۵، ۳۱۱-۳۱۲). در قرن یازدهم قمری و با رواج جریان اخباری‌گری، مفسران به این نوع از تفاسیر روی خوش نشان دادند (پاکتچی، تاریخ تفسیر قرآن کریم، ۱۳۸۷: ۱۹۳-۱۹۴) و سبب پیدایش تفاسیر روایی متعددی از هردو نوع گردید. البرهان از جمله تفاسیر ماثور محض قرن یازدهم است که لابه‌لای روایات آن، احادیثی دال بر نوع خاصی از قرائت توسط معصوم (ع) وجود دارد و بر این اساس این پرسش‌ها مطرح می‌شود: این روایات به چند گونه قابل تقسیم هستند؟ کدام نوع از این قرائت‌ها می‌تواند دارای اعتبار باشد؟ آیا این روایات بر تحریف به معنای اصطلاحی آن دلالت دارند؟

مهم‌ترین اثری که در آن روایات اختلاف قرائت براساس تفاسیر روایی شیعه از جمله البرهان مطرح گردیده، القرآن الکریم و روایات المدرستین است که مورد استفاده قرار گرفته است. البته در مقاله «نقد و فهم روایات تحریف در الکافی» نیز به تناسب بحث تحریف، به نوع خاصی از روایات اختلاف قرائت اشاره شده است. با این حال، نوآوری پژوهش حاضر در این موارد است: ۱- بررسی تمامی روایات اختلاف قرائت در البرهان. ۲- طبقه‌بندی متفاوت. ۳- نقد دسته‌های مختلف روایات اختلاف قرائت در البرهان. ۴- بهره‌گیری از نقد محتوایی، علاوه بر نقد سندی.

در ابتدا، لازم است تعریف روشنی از واژه «قرائت» ارائه شود. قرائت مصدر سماعی ریشه (قرء)، در لغت به معنای جمع کردن است و چون در خواندن، حروف و کلمات کنار هم جمع می‌شوند به آن قرائت می‌گویند. «قَرَأْتُ الشَّيْءَ قُرْآنًا؛ یعنی آن را جمع کردم و بعضی را کنار بعض دیگر گردآوردم» (ابن منظور، لسان العرب، ۱۴۱۴: ۱۳۰/۱-۱۲۸). «قرائت عبارت است از گردآوری حروف و کلمات کنار یکدیگر در ترتیل» (راغب، مفردات، ۱۴۱۲: ۶۶۸/۱).



در اصطلاح علوم قرآنی، قرائت تعاریف گوناگونی دارد:

- ۱- علم به کیفیت ادای کلمات قرآن و اختلاف این کیفیت می‌باشد؛ اختلافی که به ناقل و راوی آن منسوب است (ابن‌الجزری، منجد المقرئین، ۱۴۰۰: ۳).
 - ۲- اختلاف مربوط به الفاظ و عبارات وحی است که این اختلاف در رابطه با حروف و کلمات قرآن و کیفیت آنها از قبیل تخفیف و تشدید و امثال آنها، از سوی قراء نقل شده است (زرکشی، البرهان، ۱۴۱۰: ۳۱۸/۱).
 - ۳- تلفظ رسم الخط قرآن براساس نقل است (معرفت، التمهید، ۱۳۷۱: ۲۳۰/۱).
 - ۴- از رهگذر آن اتفاق یا اختلاف ناقلان کتاب خدا، در رابطه با حذف و اثبات و متحرک خواندن و ساکن کردن و فصل و وصل حروف و کلمات و امثال آنها، از قبیل کیفیت تلفظ و ابدال و همانند آنها از طریق سماع و شنیدن، قابل شناسایی است (دمیاطی، اتحاف فضلاء البشر، ۱۴۲۲: ۶).
 - ۵- تلفظ قرآن به همان صورت و کیفیتی است که پیامبر(ص) تلفظ می‌کرد، یا عبارت از خواندن و تلفظ قرآن به همان صورت و کیفیتی است که در حضور پیامبر(ص) خوانده شده و آن حضرت آن تلفظ و خواندن را تأیید فرموده است (فضلی، مقدمه‌ای بر تاریخ قرائات، ۱۳۷۳: ۸۰-۸۱؛ عظیم‌زاده، نگرشی نوین بر تاریخ و علوم قرآنی، ۱۳۸۰: ۹۲).
 - ۶- به اشکال گوناگون الفاظ قرآن گفته می‌شود که از ائمه قرائت مثلاً عاصم کوفی یا نافع مدنی، از پیامبر(ص) نقل شده است. عسکری معتقد است این تعریف از دوران بعد از عصر صحابه متداول گشته و قبل از آن، به معنای فراگیری تلاوت نص قرآن همراه فراگیری مفاهیم آن بوده است (عسکری، القرآن الکریم و روایات المدرستین، ۱۴۱۶: ۱۹۴/۲).
- در مقام جمع‌بندی می‌توان گفت قرائت علمی است که به‌وسیله آن چگونگی ادای کلمات قرآن -چه در مواردی که تلفظ مشترک میان همه قاریان است و چه در موارد اختلاف- با استناد به ناقل آن شناخته می‌شود و همگی نقل‌ها در راستای دستیابی به تلفظ پیامبر(ص) است.

معرفی البرهان فی تفسیر القرآن

این تفسیر یکی از تفاسیر روایی محض است؛ زیرا در آن تنها روایات ذیل آیات ذکر شده و از مؤلف جز آنچه در آغاز کتاب در سبب تألیف این تفسیر بیان کرده و عنوانی که برای ۱۶ باب مقدمه و چهار باب خاتمه و احياناً برای دسته‌ای از روایات در ضمن تفسیر

ذکر کرده، مطلب دیگری نیامده است. همچنین از جمله جوامع تفسیری شیعه است؛ زیرا مؤلف آن سید هاشم بحرانی، روایات آن را از حدود ۵۴ کتاب شیعه و برخی از کتاب‌های اهل سنت جمع‌آوری کرده است و در آن از کتاب‌هایی روایت آمده که در دسترس نیست و حتی گفته‌اند در بحار الانوار نیز از آن روایت نقل نشده است (افندی، ریاض العلماء، ۱۴۰۱: ۳۰۱/۵). روایات این کتاب عمدتاً از طریق شیعه است، اما گاهی از طریق اهل سنت نیز روایتی را موافق روایات اهل بیت (ع) یا در فضیلت آنان، نقل کرده است (بحرانی، البرهان، ۱۴۱۶: ۴/۱؛ بابایی، مکاتب تفسیری، ۱۳۸۱: ۳۵۸/۱).

در آغاز آن، مقدمه‌ای مشتمل بر ۱۶ باب دارد که حدود ۲۱۲ روایت در آن نقل شده است. تعدادی از آن ابواب درباره فضیلت عالم و متعلم، فضیلت قرآن، و ذکر حدیث ثقلین و معنای آن است. برخی در بیان خصوصیات قرآن است، مانند اینکه قرآن جامع همه نیازهای علمی بشر است و دارای ظاهر و باطن، عام و خاص، محکم و متشابه و ناسخ و منسوخ است. برخی دیگر درباره علم پیامبر و ائمه (ع)، به تأویل قرآن و ظاهر و باطن، ناسخ و منسوخ و خاص آن است. نهی از تفسیر قرآن به رأی، نهی از جدال، آنچه در قرآن که مقصود از آن ائمه (ع) است، و هر روایتی که موافق قرآن نباشد، مردود است، از دیگر عناوین ابواب مقدمه است. در باب شانزدهم کتاب‌هایی را که روایات این تفسیر از آنها نقل شده، نام برده است (بحرانی، البرهان، ۱۴۱۶: ۹/۱-۷۰).

پس از این ۱۶ باب، مقدمه تفسیر قمی به طور کامل ذکر شده است. همچنین آرای تفسیری علی بن ابراهیم را که منسوب به امام صادق (ع) می‌دانسته، در این تفسیر آورده است (همان، ۷۳ و ۴/۱) و بعد از آن به ذکر روایات مربوط به سور و آیات و تفسیر آنها پرداخته است. در تفسیر در آغاز هر سوره، مکی یا مدنی بودن آن را تعیین کرده و چند روایت در فضیلت و گاهی در خواص آن سوره آورده است. سپس بر همان ترتیب سور، ابتدا آیه را بیان کرده و بعد شأن نزول و روایات مربوط به تفسیر آیه را نقل می‌کند (علوی‌مهر، روش‌ها و گرایش‌های تفسیری، ۱۳۸۱: ۱۴۸). برای نمونه در ارتباط با سوره حمد، ۸۶ روایت نقل کرده است؛ ۳۴ روایت در ثواب و فضیلت سوره حمد و فضیلت «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» و اینکه آن، آیه‌ای از سوره حمد است، ۱۲ روایت در تفسیر «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» و ۴۰ روایت در تفسیر سایر آیات سوره حمد جمع‌آوری کرده است (بحرانی، البرهان، ۱۴۱۶: ۹۵/۱-۱۱۸).



مفسر به دلیل مشرب اخباری‌گری هر جا روایتی نیافته، تفسیر آیه را رها کرده است. بنابراین ذیل برخی از آیات هیچ روایتی را ذکر نکرده و ذیل برخی از آیات چون برای آنها روایت مناسبی را پیدا نکرده، به ذکر رأی علی بن ابراهیم اکتفا کرده و ذیل برخی از آیات یک یا بیش از یک روایت ذکر کرده و حتی ذیل برخی از آیات حدود ۶۴ روایت جمع‌آوری کرده است؛ به عنوان مثال، در آغاز سوره بقره، سه روایت در فضیلت آن و ذیل آیه دو، یک روایت و ذیل آیه سه، ۱۱ روایت آورده است. ذیل آیه چهارم به نقل سخن علی بن ابراهیم اکتفا کرده است و برای آیات اول، پنجم، چهاردهم، هیجدهم و نوزدهم سوره بقره هیچ روایت و مطلبی را ذکر نکرده است (همان، ۱۲۳/۱-۱۴۸) در حالی که ذیل آیه تطهیر (احزاب/۳۳)، ۶۴ روایت آورده است (بحرانی، البرهان، ۱۴۱۶: ۴/۴۴۲-۴۷۰).

در خاتمه کتاب چهار باب آمده است: باب نخست، در فضل قرآن است که در آن یک روایت از الکافی آورده است؛ باب دوم، در رد متشابه قرآن به تأویل آن است که در آن یک روایت طولانی از الاحتجاج طبرسی نقل کرده است؛ باب سوم، درباره این است که حدیث اهل بیت (ع) صعب و مستصعب است و در آن پنج روایت از کلینی، نقل کرده است؛ باب چهارم، درباره وجوب تسلیم در برابر روایات اهل بیت (ع) است که در آن ۲۲ روایت از سعد بن عبدالله و هشت روایت از کلینی و دو روایت از علی بن ابراهیم آورده است (همان، ۸۲۱/۵-۸۶۵).

این کتاب که گاهی با عنوان مختصر «تفسیر برهان» نیز یاد می‌شود، شش جزء بوده که یکبار در دو مجلد و ۱۱۴۸ صفحه و بار دیگر در چهار مجلد که صفحات آن به ۱۹۸۳ می‌رسد و به تازگی توسط مؤسسه اعلمی در بیروت در هشت مجلد و ۴۴۴۸ صفحه به چاپ رسیده است که از ویژگی‌های آن ذکر مصادر روایات ذیل صفحات است. این تفسیر در قرن یازدهم قمری در زمان شاه سلیمان بهادر خان صفوی تألیف شده و اتمام آن در سال ۱۰۹۵ ق بوده است؛ لازم به ذکر است تفسیر دیگری به نام البرهان فی تفسیر القرآن در قرن پنجم قمری توسط علی بن ابراهیم بن سعید حوفی (د ۴۳۰ ق) در ده جلد تألیف شده، که غیر از این تفسیر است؛ زیرا اولاً؛ البرهان در قرن یازدهم تألیف شده است. ثانیاً؛ مؤلف آن کتاب اهل مصر و ظاهراً سنی، و مؤلف حاضر اهل بحرین و شیعه بوده است، ثالثاً؛ آن تفسیر ظاهراً اجتهادی ادبی، و البرهان تفسیر روایی محض است (بابایی، مکاتب تفسیری، ۱۳۸۱: ۱/۳۵۷-۳۵۹).

انواع روایات اختلاف قرائت در تفسیر البرهان

از دیرباز دانشمندانی امثال ابن قتیبه، فخر رازی، ابن جزری و دیگران در مقام استقراء قرائات برآمدند و تلاش آنها درخصوص وجوه اختلاف قرائت به هفت مورد محدود گردید (فضلی، مقدمه‌ای بر تاریخ قرائات، ۱۳۷۳: ۱۱۴-۱۱۶)، اما با توجه به نوع نگاه نگارندگان به آیات و روایات دال بر اختلاف قرائت، تقسیم‌بندی درخصوص وجوه اختلاف قرائت به دوگونه کلی صورت می‌گیرد که در برخی موارد مصادیق مشترک دارند: اول: اختلاف داشتن یا نداشتن در شکل ظاهری کلمات. دوم: تأثیرگذار بودن یا نبودن در معنا. با دقت در روایات اختلاف قرائت رسیده از معصومان (ع) در البرهان درمی‌یابیم که می‌توان هردو نوع تقسیم‌بندی را به کار گرفت.

۱. انواع روایات اختلاف قرائت با توجه به شکل ظاهری کلمات

در این تقسیم‌بندی بیشتر الفاظ و شکل ظاهری کلمات بدون در نظر گرفتن تأثیر یا عدم تأثیر در معنای کلام الهی، مدنظر قرار می‌گیرد که با توجه به آنچه در البرهان آمده، شامل هفت گروه است.

۱-۱. اختلاف در نوع حرف

در البرهان ذیل آیه ۱۲۸ آل عمران روایتی ذکر شده که امام باقر (ع) عبارت «أو يعذبهم» را به صورت «أو تعذبهم» قرائت کرده است («أن تتوب عليهم أو تعذبهم»: بحرانی، البرهان، ۱۴۱۶: ۶۸۷/۱، پاورقی). در آیه «يا أيها الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ» (جمعه/۹) روایتی ذکر شده که امام علی، امام باقر و امام صادق (ع) آیه را به صورت «فامضوا إلى ذكر الله» قرائت کرده‌اند که مطابق با قرائت ابن مسعود بوده است (بحرانی، البرهان، ۱۴۱۶: ۳۷۹/۵).

۱-۲. اختلاف در داشتن یا نداشتن تشدید

کلمه «حرمانا» در آیه «فَبَطَّلُوا مِنَ الَّذِينَ هَادُوا حَرَمًا عَلَيْهِمْ طِبَاتٌ أُحِلَّتْ لَهُمْ وَبِصَدِّهِمْ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ كَثِيرًا» (نساء/۱۶۰) که به صورت «حرمانا» نیز قرائت شده است (بحرانی، البرهان، ۱۴۱۶: ۱۹۹/۲). کلمه «مزجاء» در آیه «وَجِئْنَا بِبِضَاعِهِ مُزَجَّاءً» (یوسف/۸۸) که به صورت «مُزَجَّاءً» نیز قرائت شده است (بحرانی، البرهان، ۱۴۱۶: ۱۹۷/۳). ذیل آیه «يا أيها



الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ» (آل عمران/۱۰۲) روایتی ذکر شده که امام علی (ع) و امام کاظم (ع) کلمه «مُسْلِمُونَ» را «مُسْلَمُونَ» قرائت کرده‌اند (بحرانی، البرهان، ۱۴۱۶: ۶۶۸/۱).

۳-۱. اختلاف در حرکات کلمه

آیه «مِنْهَا قَائِمٌ وَحَصِيدٌ» (هود/۱۰۰) به صورت «قائماً وحصیداً» نیز قرائت شده است (بحرانی، البرهان، ۱۴۱۶: ۱۳۱/۳). در آیه «ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ عَامٌ فِيهِ يَغَاثُ النَّاسُ وَفِيهِ يَعْصُرُونَ» (یوسف/۴۹) روایتی از امام صادق (ع) نقل شده که ایشان به صورت «يُعْصَرُونَ» قرائت کرده است (بحرانی، البرهان، ۱۴۱۶: ۱۷۲/۳). آیه «لَهْدَمْتُ صَوَامِعَ وَبِيعَ صَلَوَاتُ وَمَسَاجِدُ يَذْكُرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا» (حج/۴۰) به صورت «صلوات» نیز قرائت شده است (بحرانی، البرهان، ۱۴۱۶: ۸۸۹/۳). در آیه «لَمَّا جَاءَتْهُمْ آيَاتُنَا مُبْصِرَةً» (نمل/۱۳) روایتی از امام سجاده (ع) ذکر شده که حضرت کلمه «مُبْصِرَةً» را به صورت «مَبْصِرَةً» قرائت کرده است (بحرانی، البرهان، ۱۴۱۶: ۲۰۳/۴).

۴-۱. اختلاف در بودن یا نبودن یک حرف

مانند آیه «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ» (فاتحه/۴) که کلمه «مالک» با حرف «الف» و بدون آن خوانده شده است (بحرانی، البرهان، ۱۴۱۶: ۱۱۶/۱)، یا در آیه «وَأَرْسَلْنَاهُ إِلَى مِائَةِ آلَافٍ أَوْ يَزِيدُونَ» (صافات/۱۴۷) عبارت «أَوْ يَزِيدُونَ» به صورت «ویزیدون» نیز قرائت شده است (بحرانی، البرهان، ۱۴۱۶: ۶۳۲/۴) و یا در آیه «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ» (آل عمران/۱۹۲) دو روایت از امام صادق (ع) نقل شده که حضرت آیه را به صورت «لن تنالوا البر حتى تنفقوا ما تحبون» قرائت کرده است (بحرانی، البرهان، ۱۴۱۶: ۶۵۳-۶۵۲/۱).

۵-۱. اختلاف در قرارگرفتن کلمه‌ای به جای کلمه دیگر

در این مورد آیه «وَوَلِّحْ مَنُودًا» (واقعه/۲۹) را داریم که در روایتی از امام صادق (ع) به صورت «وطلع منضود» خوانده شده است (بحرانی، البرهان، ۱۴۱۶: ۲۶۰/۵). همچنین در آیه «وَقُلْ أَعْمَلُوا فَسِيرَیَ اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ» (توبه/۱۰۵) روایتی از امام صادق (ع) ذکر شده که حضرت آیه را به صورت «وَقُلْ أَعْمَلُوا فَسِيرَیَ اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ» قرائت کرده و مصداق «مؤمنون» را اهل بیت (ع) دانسته است (بحرانی، البرهان، ۱۴۱۶: ۸۴۰/۲).

۶-۱. اختلاف در تقدیم، تأخیر یا جابه‌جایی کلمات

آیه «وَجَاءَتْ سَكْرَةُ الْمَوْتِ بِالْحَقِّ» (ق/۱۹) که از معصومان (ع) به صورت «وجاءت

سکرة الحق بالموت» قرائت شده است (بحرانی، البرهان، ۱۴۱۶: ۱۳۸/۵).

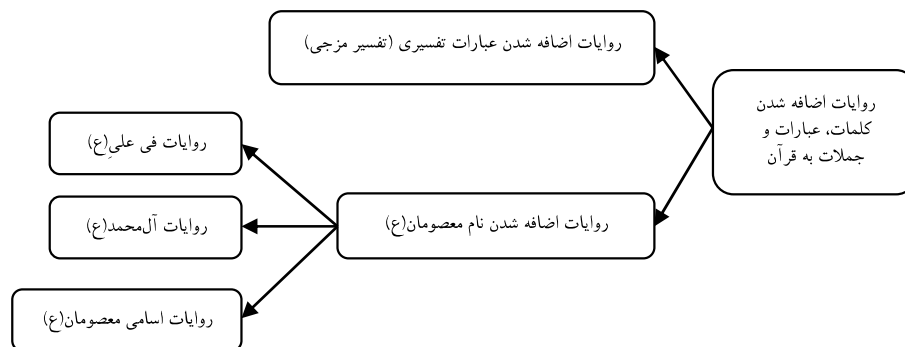
۷-۱. اضافه کردن کلمات، عبارات و جملاتی به متن قرآن

مدعیان وجود نقیصه در قرآن بدان معتقدند. روایات متعددی در این زمینه از معصومان(ع) صادر شده است که مهم‌ترین دلیل قائلان به تحریف قرآن می‌باشد. بحرانی از مفسران اخباری مسلک قرن یازدهم به‌شمار می‌رود و دغدغه مهم علمای اخباری آن روز، اعم از تندرو و معتدل، کم‌رنگ شدن رجوع به روایات ائمه(ع) و مراجعه به عقل در فهم مبانی دین بود و همین اخباری‌گری وی سبب گردید اعتقاد مؤلف به تحریف قرآن در متن تفسیرش نمایان گردد. یکی از معانی تحریف که محل نزاع نیز هست، تحریف به نقصان یا کم شدن بخشی از قرآن، در نسخه موجود است. معروف و مشهور در میان دانشمندان شیعه، این است که چنین نقیصی در قرآن روی نداده و متن موجود، همان قرآنی است که بر پیامبر(ص) نازل شده است و حتی کلمه یا حرفی از آن، کم و زیاد نگردیده است؛ هرچند ترتیبی دگرگونه دارد.

در مقابل نظر مشهور و معروف شیعه، گروهی از شیعه و اهل سنت، قائل به وقوع نقصان در قرآن شده‌اند که می‌توان این افراد را برشمرد: علی بن ابراهیم قمی که حتی به گفته بعضی از اخباریان، او در این باره، غلو و تندروی کرده است، فرات بن ابراهیم کوفی صاحب تفسیر، محمد بن ابراهیم بن جعفر نعمانی صاحب کتاب الغیبه، محمد بن مسعود عیاشی صاحب تفسیر، احمد بن ابی طالب طبرسی صاحب الاحتجاج و محمد بن علی بن شهر آشوب صاحب مناقب.

بیشتر اخباریان متأخر نیز به پیروی از این افراد، قائل به نقیصه و کاهش در قرآن شده‌اند؛ از آن جمله‌اند: محمدامین استرآبادی، محمدتقی مجلسی، سید هاشم بحرانی (ر.ک: بحرانی، البرهان، ۱۴۱۶: ۳۳/۱)، عبدعلی حویزی (ر.ک: حویزی، تفسیر نور الثقلین، ۱۴۱۵: ۱۱۵/۱)، محمدباقر مجلسی، محمدصالح مازندرانی، سید نعمت‌الله جزایری، ابوالحسن عاملی نباطی فتونی، سید محمد رضی‌الدین حسینی، محمد بن سلیمان بن زویر سلیمانی، یوسف بحرانی و میرزا حسین نوری. برخی دیگر از اخباریان، مانند فیض کاشانی، در بعضی از آثار خود، قائل به تحریف شده‌اند و در برخی دیگر، عدم تحریف (بهشتی، اخباری‌گری، ۱۳۹۰: ۲۹۹-۳۰۷).

دسته‌بندی این روایات در البرهان به شکل ذیل است.



۱-۷-۱. روایات اضافه شدن عبارات تفسیری

در برخی روایات اختلاف قرائت، عبارت یا واژگانی در خلال آیات قرآن افزوده می-شود و دلالت بر این دارد که این عبارت یا واژگان از آیات حذف شده است. این موارد در صورت تناسب با آیات از باب تفسیر است. از این نوع اضافات در تفسیر روایی البرهان موارد متعددی وجود دارد که به چند مورد اشاره می‌شود:

ذیل آیه «وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْتُكُم مِّنْ كِتَابٍ وَحَكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُّصَدِّقٌ لِّمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَلَتَنْصُرُنَّهُ» (آل عمران/۸۱) روایتی از امام باقر (ع) نقل شده است که فردی به نام حبیب سجستانی درخصوص کیفیت ایمان موسی (ع) به عیسی (ع) در حالی که او را درک نکرده، از حضرت سؤال می‌کند و حضرت در ضمن جواب وی، اشاره به حذف بخش زیادی از قرآن و وقوع تحریف می‌نماید و بیان می‌دارد که لفظ «امم» از این آیه حذف گردیده است (بحرانی، البرهان، ۱۴۱۶: ۶۴۸/۱-۶۴۷). ذیل این روایت در پاورقی تفسیر ذکر شده است که احدی از علمای رجال به وثاقت حبیب سجستانی تصریح نکرده‌اند و حدیث در عین مرسل بودن، از نظر محتوایی مخالف با اجماع امت مبنی بر عدم تحریف قرآن است. بنابراین فاقد اعتبار است (همان، ۶۴۷/۱). شیخ طوسی در تفسیر آیه روایتی با همین مضمون از امام صادق (ع) ذکر کرده و بیان می‌دارد که امام لفظ «امم» را تقدیر گرفته‌اند نه اینکه این لفظ جزء آیه بوده و حذف شده است (طوسی، التبیان، بی‌تا: ۵۱۴/۲).

عین همین روایت در تفسیر عیاشی به سند (سیاری عن ابن سالم عن حبیب سجستانی) نقل شده است که در آن سیاری (احمد بن محمد بن سیار (ابوعبدالله الکاتب البصری)) شخصی غالی معرفی شده و تقریباً تمام رجالیان شیعه در تضعیف وی که از اصحاب امام

هادی (ع) و امام حسن عسکری (ع) به شمار می آید، متفق اند؛^۱ ضمن آنکه ابن سالم هم مانند حبیب سجستانی، شخصی مجهول است (عسکری، القرآن الکریم و روایات المدرستین، ۱۴۱۶: ۳/۳۰۷).

ذیل آیه «وَاتَّبَعُوا مَا تَتْلُوا الشَّيَاطِينُ عَلَىٰ مُلْكِ سُلَيْمَانَ وَمَا كَفَرَ سُلَيْمَانُ وَلَكِنَّ الشَّيَاطِينَ كَفَرُوا يُعَلِّمُونَ النَّاسَ السِّحْرَ وَمَا أُنْزِلَ عَلَى الْمَلَكَيْنِ بِبَابِلَ هَارُوتَ وَمَارُوتَ...» (بقره/۱۰۲)؛ روایتی از امام صادق (ع) ذکر شده که در آن حضرت آیه را به صورت «وَاتَّبَعُوا مَا تَتْلُوا الشَّيَاطِينُ - بولایه الشیاطین - عَلَىٰ مُلْكِ سُلَيْمَانَ» قرائت کرده است (بحرانی، البرهان، ۱۴۱۶: ۴۵۰/۱).

در بررسی سندی این روایت، علی بن ابی حمزه، همان علی بن ابی حمزه بطائنی بوده که در کتب رجال فردی ضعیف و کذاب و متهم و ملعون معرفی شده است. ضمن آنکه همین روایت با همین نقل از طریق «سیاری عن محمد بن علی عن ابن اسباط عن علی بن ابی حمزه عن ابی بصیر عن ابی عبدالله (ع)» نقل شده است که بر ضعف خبر قوت می بخشد. از نظر متنی باید گفت: اولاً؛ هیچ معنایی بر این کلمه اضافه مترتب نیست. ثانیاً؛ ذکر این عبارت وزن و آوای جمله را به هم می زند (عسکری، القرآن الکریم و روایات المدرستین، ۱۴۱۶: ۳/۲۶۹).

ذیل آیه «سَلَّ بَنِي إِسْرَائِيلَ كَمْ آتَيْنَاهُمُ مِنْ آيَةٍ بَيْنَهُ وَمَنْ يُبَدِّلْ نِعْمَةَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ» (بقره/۲۱۱) روایتی آمده که طبق قرائت معصوم (ع) آیه به این صورت قرائت شده است: «سَلَّ بَنِي إِسْرَائِيلَ كَمْ آتَيْنَاهُمُ مِنْ آيَةٍ بَيْنَهُ فَمِنْهُمْ مَنْ آمَنَ، وَمِنْهُمْ مَنْ جَحَدَ، وَمِنْهُمْ مَنْ أَقْرَ، وَمِنْهُمْ مَنْ بَدَّلَ - وَمَنْ يُبَدِّلْ نِعْمَةَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ». این روایت به دو نقل در البرهان ذکر شده است. طریق اول همان سلسله سند روایت قبل است و همان اشکالات برایش مترتب است و طریق دوم «عیاشی، عن ابی بصیر، عن ابی عبدالله (ع)» است که در این صورت قسمتی از سلسله سند حذف گردیده است ضمن آنکه روایت عیاشی نقلی دیگر از سیاری است که وصفش قبلاً ذکر شد. در نقد متنی باید گفت: چون غلات به اهداف خود نرسیدند امثال این روایات را ساخته و پخش می کردند، همچنین ذکر این عبارت وزن و آوای جمله را به هم می زند

^۱. به عنوان نمونه ابن غضائری وی را ضعیف، متهاک، غال و محرف نامیده است (ابن الغضائری، رجال، ۱۳۶۴: ۱/۱۴۹؛ ر.ک: نجاشی، فهرست، ۱۴۰۷: ۸۰؛ طوسی، اختیار معرفة الرجال، ۱۴۰۴: ۲/۸۶۵).



(عسکری، القرآن الکریم و روایات المدرستین، ۱۴۱۶: ۲۷۱/۳-۲۷۰).

ذیل آیه «فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا تَرَاضَيْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَرِيضَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا» (نساء/۲۴) روایتی از امام باقر(ع) نقل شده است که حضرت آیه را به شکل ذیل قرائت می کرد: «فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ -إِلَى أَجَلٍ مَسْمُومٍ- فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا تَرَاضَيْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَرِيضَةِ» (بحرانی، البرهان، ۱۴۱۶: ۵۹/۲). با بررسی سندی آیه مشخص می شود که سند دارای انقطاع است. ضمن آنکه این عبارت تفسیری نکته خیلی خاصی را به مفهوم آیه اضافه نمی کند.

ذیل آیه «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ وَلَا نَبِيٍّ إِلَّا إِذَا تَمَنَّى أَلْقَى الشَّيْطَانُ فِي أُمْنِيَّتِهِ» (حج/۵۲)، ۲۹ روایت ذکر شده و در میان آن، موارد متعددی روایت اختلاف قرائت از امام سجاد(ع)، امام باقر(ع)، امام صادق(ع) و نیز روایاتی از ابن عباس و محمد بن ابی بکر آمده که بیان داشته اصل آیه به صورت «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ وَلَا نَبِيٍّ وَلَا مُحَدَّثٌ» بوده که لفظ «محدث» بعداً از آیه حذف گردیده است. بر طبق این قرائت مصداق «محدث» امام علی(ع) بوده و به تبع حضرت سایر معصومان(ع) مصداق «محدث» گردیدند (بحرانی، البرهان، ۱۴۱۶: ۹۰۴/۳-۸۹۷).

ذیل آیات «وَالْعَصْرُ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَّصَوْا بِالصَّبْرِ» (عصر/۱-۳) روایتی از امام صادق(ع) آمده که حضرت آیات را به صورت «والعصر، إن الإنسان لفی خسر، وإنه فیه إلى آخر الدهر، إلا الذين آمنوا وعملوا الصالحات، وتواصوا بالحق وتواصوا بالصبر واثتمروا بالتقوى، واثتمروا بالصبر» قرائت کرده است (بحرانی، البرهان، ۱۴۱۶: ۷۵۳/۵).

۲-۷-۱. روایات اضافه شدن نام معصومان(ع)

۱-۷-۲-۱. روایات «فی علی(ع)»

در بیشتر روایات اضافه شدن نام معصومان(ع)، نام امام علی(ع) به عنوان وصی پیامبر(ص) در خلال آیات قرآن افزوده شده و دلالت بر این دارد که نام حضرت در قرآن بوده و مخالفان آن حضرت نام وی را از قرآن حذف کرده اند. برای نمونه چند مورد ذکر می شود.

ذیل آیه ۲۳ بقره، روایتی از امام باقر(ع) که سند آن به جبرئیل می رسد، ذکر شده که در

آن امام آیه «وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّثْلِهِ» (بقره/۲۳) را به صورت «وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فِی عَلٰی - فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّثْلِهِ» قرائت کرده است (بحرانی، البرهان، ۱۴۱۶: ۱/۱۵۷).

در نقد سندی این روایت چند نکته قابل ذکر است: نخست: در سند روایت فردی به نام محمد بن علی بن سنان وجود دارد که در کتب رجال مورد ذم واقع شده است. نجاشی درباره وی گفته محمد بن سنان راوی بسیار ضعیفی است که نباید به روایات وی اعتماد کرد (نجاشی، فهرست، ۱۴۰۷: ۳۲۸) همچنین شیخ طوسی بیان می‌دارد محمد بن سنان مورد طعن و بسیار ضعیف است (طوسی، تهذیب الأحکام، ۱۴۰۷: ۳۶۱/۷). دوم: فرد دیگری به نام منخل در سند وجود دارد که درباره وی گفته شده «ضعیف غال» (نجاشی، فهرست، ۱۴۰۷: ۳۳۲). حلی معتقد است: منخل از راویان کوفی بوده و در عقایدش غلو است (حلی، خلاصه الأقوال، ۱۴۱۷: ۴۱۱). سوم: فرد بعدی جابر بن یزید است که وی نیز مورد مدح واقع نشده؛ زیرا «مختلط فی نفسه» است (نجاشی، فهرست، ۱۴۰۷: ۳۳۲). غیر از سند مذکور همین روایت با سند دیگری در الکافی نقل شده است که بر ضعف روایت افزوده است: «سیاری عن محمد بن علی بن سنان عن عمار بن مروان، عن منخل، عن جابر، عن أبي عبد الله (ع)» (عسکری، القرآن الکریم و روایات المدرستین، ۱۴۱۶: ۲۵۸/۳). در متن روایت نقدهایی وجود دارد؛ از جمله اینکه آیه در مقام تحدی با منکران رسالت پیامبر (ص) نازل شده است و سیاق آیه دلالت دارد بر تردید ایشان نسبت به حقانیت قرآن. چطور ممکن است بحثی از وصایت جای داشته باشد که در آیه ذکر شود و به نظر می‌رسد این عبارت عمداً یا سهواً به آیه اضافه شده است (ایزدی، نقد و فهم روایات تحریف در الکافی، ۱۳۸۷: ۱۶). ضمن آنکه اضافه شدن عبارت «فی علی» در آیه خللی جدی به وزن و آهنگ آیه وارد می‌کند.

ذیل آیه «بَسْمًا اشْتَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ أَنْ يَكْفُرُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ بَغْيًا...» (بقره/۹۰) با سندی مشابه با آیه قبل، قرائتی از امام باقر (ع) ذکر شده که حضرت آیه را به صورت «بَسْمًا اشْتَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ أَنْ يَكْفُرُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فِی عَلٰی - بَغْيًا» قرائت کرده است (بحرانی، البرهان، ۱۴۱۶: ۲۷۸/۱).

ذیل آیه «وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ آمِنُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ...» (بقره/۹۱) روایتی آمده که امام باقر (ع) آیه را به صورت «وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ مَاذَا أَنْزَلَ رَبِّكُمْ فِی عَلٰی» قرائت کرده و آن را در شأن علی (ع)



تفسیر نموده است (بحرانی، البرهان، ۱۴۱۶: ۲۸۰/۱).

در تفسیر آیه ۶۷ مائده چنین آمده است: «قال جعفر بن محمد(ع): يا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ فِي عَلَيٍّ. هَكَذَا أُنْزِلَتْ» (همان، ۳۳۹/۲). عبارت «ما أُنْزِلَ» در این آیه از یکسو، و عملکرد پیامبر(ص) پس از نزول این آیه از سوی دیگر، ما را به این نتیجه می‌رساند که انتصاب علی(ع) به جانشینی پیامبر(ص) قبلاً بر ایشان نازل شده بوده وگرنه لفظ «ما أُنْزِلَ» بی‌معنا بود. از آنجا که نام علی(ع) در هیچ‌یک از آیات قرآن وجود ندارد، نتیجه می‌گیریم که این نزول، نزول غیرقرآنی بوده است. در حدیث معراج از ابن عباس چنین نقل شده است: «وإِنِّي لَمْ أُبْعَثْ نَبِيًّا إِلَّا جَعَلْتُ لَهُ وَزِيرًا، وَإِنَّكَ رَسُولُ اللَّهِ وَإِنَّ عَلِيًّا وَزِيرُكَ» (ر.ک: حسکانی، شواهد التنزیل، ۱۴۱۱: ۲۵۷/۱). عسکری نیز در مورد این قرائت معتقد است عبارت «فی علی» در وحی غیرقرآنی بر پیامبر(ص) نازل شده است (ر.ک: عسکری، القرآن الکریم و روایات المدرستین، ۱۴۱۶: ۳۷۵/۳).

۲-۷-۱. روایات «آل محمد(ع)»

در برخی روایات، تعبیر «آل محمد(ع)» به‌عنوان بخشی از آیه که توسط مخالفان حذف گردیده، ذکر می‌شود و دلالت دارد بر اینکه این عبارت جزء آیه بوده و قرائت می‌شده، اما مخالفان اهل بیت(ع) آن را از مصحف شریف حذف کرده‌اند.

ذیل آیه «قَبْلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا قَوْلًا غَيْرَ الَّذِي قِيلَ لَهُمْ...» (بقره/۵۹) دو روایت که در الکافی نیز موجود است، از امام باقر(ع) ذکر شده است که حضرت آیه را به‌صورت «قَبْلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا - آل محمد حقهم - قَوْلًا غَيْرَ الَّذِي قِيلَ لَهُمْ فَأَنْزَلْنَا عَلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا - آل محمد حقهم - رَجْزًا مِنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ» قرائت کرده است (بحرانی، البرهان، ۱۴۱۶: ۲۲۹/۱).

در بررسی سند روایت به چند نفر برمی‌خوریم که در کتب رجال مورد طعن واقع شده‌اند. در مورد احمد بن مهران و محمد بن فضیل گفته شده است: «أحمد بن مهران ضعيف و محمد بن الفضيل ضعيف يرمى بالغلو». همچنین علی بن ابی حمزه بطائنی در کتب رجال فردی ضعیف و کذاب و متهم و ملعون معرفی شده است (عسکری، القرآن الکریم و روایات المدرستین، ۱۴۱۶: ۲۶۱/۳-۲۶۰). ضمن آنکه همین متن از طریق سیاری هم نقل شده که بر ضعف حدیث افزوده است. در بررسی متنی روایت همین بس که عبارت اضافه شده، وزن و آهنگ آیه را به‌طور کامل به هم می‌ریزد که با اعجاز بیانی قرآن

در تضاد است. همچنین آیات ۴۰-۱۲۳ بقره در مورد قوم بنی اسرائیل و اعمال و رفتار آنان در طول قرون گذشته، نازل گشته و ذکر عبارت «آل محمد حقهم» تناسبی با موضوع آیات ندارد و این افترا بی از سوی غلات است که بگویند قرآن تحریف شده است؛ ضمن آنکه با صرف نظر از همه اشکالات سند و متنی، این عبارت، اضافات تفسیری و وحی بیانی تلقی می شود نه اینکه جزء آیه بوده و بعدها حذف گردیده است.

ذیل آیه «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ» (آل عمران/۳۳)، ۱۷ روایت ذکر شده که در هفت روایت تصریح شده که آیه به این شکل نبوده و قسمتی از آن توسط مخالفان حذف گردیده است و معصومان (ع) به صورت «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ -وآل محمد- عَلَى الْعَالَمِينَ» قرائت کرده اند (بحرانی، البرهان، ۱۴۱۶: ۱/۶۱۶-۶۱۲).

بحرانی برای اثبات این سخن، روایتی را «از طریق تفسیر روایی متقدم اهل سنت- ثعلبی-» آورده است (همان، ۱/۶۱۶). روایاتی که ذیل آیه آمده است، ایرادات سند و متنی متعددی دارد، از جمله اینکه در نقل علی بن ابراهیم و طبرسی، قولی بدون سند بوده و گویا روایت نمی باشد. در نقل ابوعبدالصمد مشخص نیست که این فرد کیست؟ بنابراین مجهول است و گذشته از ایراد وزن آهنگی آیه، این عبارت بیانی برای آیه محسوب می شود، نه اینکه جزء آیه بوده باشد (عسکری، القرآن الکریم و روایات المدرستین، ۱۴۱۶: ۳۰۲/۳-۳۰۱).

۳-۲-۱. روایات «ذکر اسامی معصومان (ع)»

در برخی روایات، اسامی معصومان (ع) به خصوص پنج تن آل عبا (ع) به عنوان بخشی از آیه آمده که دلالت دارد بر اینکه این عبارت جزء آیه بوده و قرائت می شده، اما مخالفان اهل بیت (ع) آن را از مصحف شریف حذف کرده اند.

ذیل آیه «وَلَقَدْ عَهِدْنَا إِلَىٰ آدَمَ مِنْ قَبْلُ فَنَسَىٰ وَلَمْ نَجِدْ لَهُ عَزْمًا» (طه/۱۱۵) روایاتی نقل شده است (که در منابع متقدمی چون مناقب ابن شهر آشوب و الکافی موجود است) که امام باقر و امام صادق (ع) آیه را به صورت «وَلَقَدْ عَهِدْنَا إِلَىٰ آدَمَ مِنْ قَبْلُ -کلمات فی محمد وعلی و فاطمه و الحسن والحسین والأئمة من ذریتهم (ع)- فَنَسَىٰ وَلَمْ نَجِدْ لَهُ عَزْمًا» قرائت کرده اند (بحرانی، البرهان، ۱۴۱۶: ۳/۷۸۲-۷۸۱) و با عبارت «هكذا نزلت» بیان داشته اند که اصل آیه به این شکل بوده و مخالفان آن را حذف کرده اند. درخصوص نقد سند این



روایات می‌توان گفت که در سند روایت امام صادق(ع)، جعفر بن محمد بن عبدالله فردی مجهول، و محمد بن سلیمان نیز فردی ضعیف و غالی دانسته شده است (عسکری، القرآن الکریم و روایات المدرستین، ۱۴۱۶: ۵۲۱/۳-۵۲۰). همچنین روایت امام باقر(ع) به طریق ابن شهر آشوب فاقد سند است. از نظر متنی با مراجعه به خود قرآن می‌بینیم که خداوند متعال در چند آیه بعد از آن، عهدی را که حضرت آدم(ع) با خدا بسته و فراموش کرده بود، یاد می‌کند و می‌فرماید: «فَقُلْنَا يَا آدَمُ إِنَّ هَذَا عَدُوٌّ لَكَ وَ لَزَوَجَكَ فَلَا يَخْرُجَنَّكَ مِنَ الْجَنَّةِ فَتَشْقَى، ... فَأَكَلَا مِنْهَا فَبَدَتْ لَهُمَا سَوْآتُهُمَا...» (طه/۱۱۷-۱۲۱). اما غلات این روایات را ساخته و سندی برایش قرار داده و به امامان(ع) نسبت داده‌اند و بعد از آن امثال محدث نوری به این روایات استدلال کرده و تحریف قرآن را ادعا نموده است؛ ضمن آنکه سیاق عبارات قرآنی و قبل و بعد آیه چنین اضافاتی را قبول نمی‌کند و وزن و آهنگ آیات را به هم می‌زند.

۲. انواع روایات اختلاف قرائت، با توجه به تأثیرگذاری در معنا

روایات دال بر اختلاف قرائت را می‌توان به دو دسته «بی‌تأثیر در معنا» و «مؤثر در معنا» تقسیم نمود که هریک جداگانه بررسی می‌شوند.

۲-۱. قرائت‌های بی‌تأثیر در معنا

روش پیامبر(ص) و به تبع ایشان خاندان رسالت(ع) به گونه‌ای بود که جهت ترویج و گسترش اسلام و قرآن در امر قرائت قرآن، به مردم سخت نمی‌گرفتند و اگر قبیله‌ای کلمات خاصی از قرآن را با لهجه خود تلفظ می‌کردند، از آنان می‌پذیرفتند؛ چنان‌که گاهی دو نفر بر سر تلفظ یک کلمه باهم اختلاف می‌کردند و پیامبر(ص) پس از استماع، بر قرائت هردو صحه می‌گذاشتند. بنابراین این گونه قرائت‌ها که غالباً از تقریرات معصومان(ع) است از روایات مختلف نقل شده است. برخی از این قرائت‌ها، فقط به لهجه و نحوه تلفظ کلمه برمی‌گردد و مخالفتی با رسم المصحف ندارد. مثلاً ذیل آیه «وَنَادَى نُوحٌ ابْنَهُ وَ كَانَ فِي مَعَزٍ يَا بَنِيَّ ارْكَبْ مَعَنَا وَ لَا تَكُنْ مَعَ الْكَافِرِينَ» (هود/۴۲) روایاتی از امام علی، امام باقر و امام صادق(ع) آمده که در آن کلمه «ابنه» به صورت «ابنه» و یا در قرائت عکرمه به صورت «ابنه» قرائت شده است (بحرانی، البرهان، ۱۴۱۶: ۱۰۸/۳؛ طبرسی، مجمع البیان، ۱۳۷۲: ۲۴۳/۵). در برخی دیگر از این لهجه‌ها به ندرت مغایرت مختصری با رسم المصحف دارد، مثلاً قرائت «یا مال» به جای «یا مالک» در آیه «وَنَادُوا يَا مَالِكُ لِيَقْضِ عَلَيْنَا رَبُّكَ قَالَ إِنَّكُمْ

ماکشون» (زخرف/۷۷) که از پیامبر (ص) و امیرالمؤمنین (ع) نقل شده است (طبرسی، مجمع البیان، ۱۳۷۲: ۸۶/۹؛ عسکری، القرآن الکریم و روایات المدرستین، ۱۴۱۶: ۶۶۹/۳). «مال» مرخم «مالک» است و از نظر معنایی تفاوتی باهم ندارند. اگرچه بعضی از این قرائت‌ها به لحاظ سندی مشکل دارند و جزء قرائت‌های ضعیف به‌شمار می‌آیند، اما صدور، یا لااقل تقریر چنین قرائت‌هایی که خللی در معنای آیات ایجاد نمی‌کند، با توجه به تساهل معصومان (ع) نسبت به افراد با قومیت‌های گوناگون در امر قرائت قرآن، محتمل است.

۲-۲. قرائت‌های مؤثر در معنا

این دسته از قرائت‌ها، نیز به دو بخش کلی معتبر و شاذ تقسیم می‌گردد.

۲-۲-۱. قرائت معتبر

قرائتی است که دارای سند صحیح، و با رسم المصحف رایج و قواعد عربی فصیح مطابق باشد. مثلاً در آیه «قَالَ يَا نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ» (هود/۴۶) از امام صادق و امام علی (ع) نقل شده که آیه را به صورت «إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ» قرائت کرده‌اند (بحرانی، البرهان، ۱۴۱۶: ۱۰۵/۳؛ عسکری، القرآن الکریم و روایات المدرستین، ۱۴۱۶: ۴۳۷/۳) که در آن «عَمَلٌ» فعل ماضی و «غَيْرٌ» مفعول آن است. این روایت با رسم مصحف و قواعد زبان عربی مطابقت کامل دارد. از قراء عشره، قرائت کسائی و یعقوب نیز با آن هماهنگی دارد (دانی، التیسیر، ۱۴۲۶: ۱۰۲).

۲-۲-۲. قرائت شاذ

قرائتی است که یک یا چند شرط از شرایط قرائت معتبر را نداشته باشد و به دو نوع قرائت غیرضعیف و قرائت ضعیف تقسیم می‌شود:

۲-۲-۲-۱. قرائت شاذ غیرضعیف

قرائت شاذی که ضعف ندارد را قرائت غیرضعیف می‌نامند که این نوع قرائت، یا از نوع تفسیر مزجی یا از نوع مجاوبه است.

۲-۲-۲-۱-۱. تفسیر مزجی

به تفسیری گفته می‌شود که مفسر مطالب تفسیری خود را بسیار کوتاه و موجز در اثنای کلام الهی ذکر می‌کند؛ برای نمونه در تفسیر آیه «لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَبْتَغُوا فَضْلًا مِّن رَّبِّكُمْ» (بقره/۱۹۸)، روایتی از ابن عباس نقل شده (که نخستین بار در جامع البیان طبری قرن



چهارم به چشم می خورد) که عبارتی کوتاه را همراه آیه ذکر می کرد که این عبارت از جنس تفسیر مزجی آیه بوده و نه اضافه آیه.^۱ از این موارد نمونه های فراوان دیگری در منابع تفسیری آمده است. روشن است که این گونه تفسیر قرآن که با خود آن ممزوج است، در صدر اسلام مایه اختلاف قرائت می شد و در نگاه اول برای برخی چنین به ذهن می آمد که تفسیر آیه، جزء آیه و قرآن به شمار می آید. بنابراین دانشمندان علوم قرآنی تفسیر مزجی را از عوامل اختلاف قرائت شمرده اند.

در تفاسیر روایی شیعه نیز این نوع قرائت ها تعدادشان کم نیست و اغلب کلمات یا جملاتی که معصومان (ع) به عنوان تفسیر و بیان معنای آیه فرموده اند، با عباراتی نظیر «قرأ» یا «هكذا نزلت» یا «والله هكذا نزلت» و یا امثال آنها یا بدون هیچ علامتی به صورت مزجی با آیات نگاشته شده و امروزه تحت عنوان قرائت در کتب مختلف تفسیر و قرائت نقل شده اند (برای نمونه ر.ک: بحرانی، البرهان، ۱۴۱۶: ۱۱۷/۱؛ ۴۴۷/۱؛ ۶۱۵/۱؛ ۱۱۱/۲؛ ۱۲۴/۲؛ ۷۹۱/۲؛ ۷۵۹/۳). واژه «قرئت» اگرچه به معنای خواندن است اما متضمن معنای درک مفهوم نیز هست. وقتی از کسی می پرسند آیا فلان مطلب را خوانده ای؟ یعنی خوانده ای و درک کرده ای و گرنه خواندن بدون درک مطلب معنا ندارد. در روایت است که صحابه، قرائت قرآن را همراه با درک معانی علمی و عملی آیات از پیامبر (ص) می آموختند. ابو عبد الرحمن سلمی که شاگرد امام علی (ع) و استاد عاصم کوفی بوده، می گوید یکی از اصحاب پیامبر (ص) که به ما قرائت قرآن را می آموخت، می گفت آنان قرآن را ده آیه ده آیه از پیامبر (ص) فرامی گرفتند و تا زمانی که مفاهیم علمی و عملی ده آیه اول را نیاموخته بودند، به ده آیه بعد نمی پرداختند (ر.ک: مجلسی، بحار الأنوار، ۱۴۰۴: ۱۰۶/۸۹؛ نوری، مستدرک الوسائل، ۱۴۰۸: ۳۷۲/۴). بنابراین واژه «إقراء» به معنای آموزش توأمان لفظ و معنا است و در عصر صحابه نیز چنین کاربردی داشته است، اما به مرور زمان تغییر کاربرد داده و امروزه به معنای متداول قرائت به کار می رود. عسکری می گوید: قاری کسی است که تلاوت لفظ و معنا را فرامی گیرد و مقرئ کسی است که لفظ و معنای قرآن را تعلیم می دهد. وی معتقد است «إقراء» در عهد پیامبر (ص) و صحابه به همین معنا بوده و پس از آن تا به امروز، به دلایلی، این معنا از «آموزش لفظ و معنا» به «تبدیل نص قرآنی به لهجه های

۱. عن ابن عباس: لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَبْتَغُوا فَضْلًا مِنْ رَبِّكُمْ وَهُوَ لَا حَرَجَ عَلَيْكُمْ فِي الشِّرَاءِ وَالْبَيْعِ قَبْلَ الْإِحْرَامِ وَبَعْدَهُ (طبري، جامع البيان، ۱۴۱۲: ۱۶۴/۲؛ زرکشی، البرهان، ۱۴۱۰: ۴۸۶/۱).

مختلف قبایل عرب» تغییر یافته است (ر.ک: عسکری، القرآن الکریم و روایات المدرستین، ۱۴۱۶: ۱۹۳/۲-۱۹۴).

بر این اساس، در بسیاری از روایات که عبارت «قرأ فلان» وجود دارد، منظور از «قرأ» اشاره به معنای آیه است نه تلاوت آن. سید هاشم بحرانی در برخی موارد به تبعیت از شیخ طوسی و یا صاحب مجمع البیان پس از متن آیات، بخشی را در حوزه «القراءة» می آورد و در آن، به ذکر قرائت های مختلف آیه می پردازد، اما برخی از قرائت ها را که به زعم وی جنبه تفسیری و بیان معنا داشته، ذیل این بخش نیاورده و در بخش تفسیر آیه ذکر می کند. برای نمونه ذیل آیه «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَ نُوحًا وَ آلَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ» (آل عمران/۳۳) و در خلال روایات تفسیری می گوید: «وَفِي قِرَاءَةِ أَهْلِ الْبَيْتِ: وَ آلَ مُحَمَّدٍ عَلَى الْعَالَمِينَ» (بحرانی، البرهان، ۱۴۱۶: ۶۱۲/۱) و یا ذیل آیه «وَالْفَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ...» (نور/۶۰) پس از ذکر اختلاف قرائت، به تفسیر آیه می پردازد و در خلال تفسیر آیه می گوید: «وفی قراءه اهل البيت (ع) «أَنْ يَضَعْنَ مِنْ ثِيَابِهِنَّ»» (بحرانی، البرهان، ۱۴۱۶: ۹۹/۴). این بدان معناست که وی این جمله را قرائت ندانسته بلکه به عنوان تفسیر آیه تلقی کرده است؛ یعنی زنان پیر و سالخورده می توانند بخشی از لباس خود را که همان چادر و مقنعه است کنار بگذارند (ر.ک: کلینی، الکافی، ۱۳۶۵: ۵۲۲/۵)، نه تمام لباس را و این همان تفسیر آیه است. اگر مقصود شیخ طوسی از نقل این جمله، ذکر قرائت بود، باید آن را در کنار سایر قرائت ها ذکر می کرد، نه در تفسیر آیه. مؤید این مطلب آن است که وی در تفسیر آیه «لَهُ مُعَقَّبَاتٌ مِّنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ» (رعد/۱۱)، رسماً به جای واژه «قرائت» از واژه «تفسیر» استفاده کرده و می گوید: «وفی تفسیر اهل البيت إن معناه: يَحْفَظُونَهُ بِأَمْرِ اللَّهِ»^۲.

شاید بتوان گفت بیشتر قرائت هایی که از معصومان (ع) و برخی دیگر از صحابه مانند ابن مسعود یا ابی بن کعب نقل شده، از این قبیل است؛ یعنی تفاسیر آیات با لفظ «قرأ» ذکر شده است. بنابراین به گمان قرائت لفظی در میان قرائت ها وارد شده است. مثلاً از امام رضا (ع) نقل شده که آیه الکرسی را این چنین قرائت کرده است: «عَلَىٰ بَنِي إِبْرَاهِيمَ، قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ خَالِدٍ: أَنَّهُ قَرَأَ أَبُو الْحَسَنِ الرِّضَا (عَلَيْهِ السَّلَامُ): «اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ

۱. در متن آیه کلمه «من» وجود ندارد (طوسی، التبیان، بی تا: ۴۶۱/۷).

۲. متن آیه، «يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ» است (همان، ۲۲۸/۶).



الْحَيُّ الْقَيُّومُ، لَا تَأْخُذُهُ سَنَةٌ - أَيْ نَعَّاسٌ - وَ لَا نَوْمٌ، لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ، وَ مَا بَيْنَهُمَا وَ مَا تَحْتَ الثَّرَى، عَالَمُ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ، هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ، مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ، يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَ مَا خَلْفَهُمْ (بحرانی، البرهان، ۱۴۱۶: ۵۱۶/۱: قمی، تفسیر القمی، ۱۳۶۷: ۸/۱). عبارت نسبتاً طولانی «وَمَا بَيْنَهُمَا وَ مَا تَحْتَ الثَّرَى عَالَمُ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ» که در این قرائت ذکر شده، نه تنها در مصحف رایج امروزی، بلکه در هیچ یک از مصاحف گذشته نیز وجود ندارد و این اختلاف چشم گیر با مصحف، از یک سو و ترکیب و سیاق الفاظ از سوی دیگر ما را متقاعد می سازد که مقصود امام از بیان این عبارات، شرح و تفسیر بخش ابتدائی آیه است، نه نزول لفظی آن.

لفظ «نزل» و امثال آن نیز در بسیاری از روایات به همین معنا اشعار دارد؛ یعنی تفسیر آیه را بیان می کند و چه بسا در واقع همین تفسیر نیز به طریق وحی غیرقرآنی بر پیامبر (ص) نازل شده باشد؛ زیرا وحی منحصر در آیات قرآن نیست. برای نمونه می توان به روایت ذیل آیه هفتم سوره بینه اشاره کرد: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا نَزَلَتْ فِي عَلِيٍّ، صَدَقَ أَوَّلَ النَّاسِ بِرَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) وَ عَمَلُوا الصَّالِحَاتِ تَمَسَّكُوا بِأَدَاءِ الْفَرَائِضِ أَوْلَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ» (بحرانی، البرهان، ۱۴۱۶: ۷۲۲/۵). خویی می گوید: «ذکر نام امیرالمؤمنین (ع) در این گونه روایات یا به عنوان تفسیر یا تنزیل غیرقرآنی بوده است» (ر.ک: خویی، البیان، ۱۳۸۳: ۳۱۵). فیض کاشانی معتقد است: وقتی روایت می گوید عبارتی از آیه حذف شده و بعد می گوید «هكذا نزلت»، معنایش این است که آن عبارت از تفسیر آیه حذف شده است، نه از الفاظ آیه. وی به روایتی استشهد می کند که امام باقر (ع) فرمود: «نبذ کتاب»؛ یعنی اینکه حروف کتاب خدا را حفظ، و حدود آن را تحریف کردند (فیض کاشانی، تفسیر الصافی، ۱۴۱۵: ۵۲/۱).

برخی دیگر از عباراتی که به عنوان قرائت نقل شده است، در حقیقت تفسیر بخشی از آیه است که بدون استفاده از الفاظی نظیر «قرأ» یا «نزل» در لابه لای آیات به صورت مزجی نگاشته شده است. مثلاً عیاشی در اوایل قرن چهارم در تفسیر آیه ۳۶ یوسف از امام صادق (ع) چنین نقل کرده است: «أَحْمَلُ فَوْقَ رَأْسِي جَفَنَةً فِيهَا خُبْزٌ تَأْكُلُ الطَّيْرُ مِنْهَا» (ر.ک: عیاشی، کتاب التفسیر، ۱۳۸۰: ۱۷۷/۲). بدیهی است که هیچ دلیل موجهی برای به حساب آوردن این تفاسیر در زمره قرائات وجود ندارد.

۲-۲-۲-۱-۲. مجاوبه

روش پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) چنین بوده که هنگام قرائت قرآن اگر به آیه‌ای می‌رسیدند که در آن سخن از تسبیح خداوند بوده، «سبحان الله» می‌گفتند، اگر سخن از حمد خداوند بوده، «الحمد لله» می‌گفتند، اگر سخن از بهشت بوده از خداوند مسئلت می‌کردند، اگر سخن از دوزخ بوده به خداوند پناه می‌بردند و به همین ترتیب با هر آیه‌ای متناسب با موضوع آیه همراهی می‌نمودند که اصطلاحاً به آن «مجاوبه» می‌گویند (ر.ک: سیوطی، الإیتقان، ۱۴۲۱: ۱۸/۱؛ صدوق، عیون أخبار الرضا(ع)، ۱۳۷۸: ۱۸۳/۲).

بر هر صاحب فکری پوشیده نیست که این قبیل جملاتی که بزرگان ما هنگام قرائت قرآن بر زبان جاری می‌ساختند، به قصد همراهی با آیات بوده و به هیچ‌وجه منظور آنان تغییر الفاظ قرآن نبوده است. نقل است روزی علی(ع) در نماز سوره اعلی را تلاوت نمود و بعد از آیه اول فرمود: «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى». پس از نماز از ایشان پرسیدند آیا این عبارت را به قرآن می‌افزایید؟ فرمود: خیر؛ آیه ما را به چیزی فرمان داد و من آن را اجرا کردم^۱ (ر.ک: مجلسی، بحار الأنوار، ۱۴۰۴: ۲۲۰/۸۹؛ بحرانی، البرهان، ۱۴۱۶: ۶۳۶/۵؛ قرطبی، الجامع لأحكام القرآن، ۱۳۶۴: ۱۴/۲۰).

۲-۲-۲-۲. قرائت شاذ ضعیف

قرائتی است که از نظر سند، متن یا هردو دارای ضعف باشد. برخی از قرائت‌ها نه تنها متواتر نیستند، بلکه چه‌بسا تنها یک تن آن را نقل کرده باشد. آنچه مسلم است اینکه چنین قرائتی حکم قرآن را ندارد، تا از تحریف مصون باشد و باید به لحاظ متن و سند مورد بررسی قرار گیرد و احتمال وضعی بودن آن وجود دارد. چه‌بسا این قرائت‌ها را دشمنان مغرض یا دوستان نادان با انگیزه‌های متفاوت جعل نموده و به معصومان(ع) نسبت داده باشند. به‌عنوان نمونه بحرانی در روایتی نقل کرده که آیه ۲۲۷ شعراء، به این صورت است: «فَقَالَ: إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَذَكَرُوا اللَّهَ كَثِيرًا وَانْتَصَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا، ثُمَّ ذَكَرَ أَعْدَاءَهُمْ وَ مِنْ ظَلَمَهُمْ، فَقَالَ: «وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا آلَ مُحَمَّدٍ حَقَّهُمْ أَىٰ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ» هَكَذَا وَ اللَّهُ نَزَلَتْ» (بحرانی، البرهان، ۱۴۱۶: ۱۹۵/۴) و جالب اینکه محدث نوری به این روایت و مانند آن، به‌عنوان یکی از ادله اثبات تحریف قرآن استدلال کرده است!

۱. عَنْ عَلِيٍّ (ع) أَنَّهُ قُرِئَ سَبِّحَ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى فَقَالَ سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَهُوَ فِي الصَّلَاةِ فَقِيلَ لَهُ أَ تَزِيدُ فِي الْقُرْآنِ قَالَ لَا إِنَّمَا أَمَرْنَا بِشَيْءٍ فَقُلْتُهُ (مجلسی، بحار الأنوار، ۱۴۰۴: ۲۲۰/۸۹). پیش از او در الدر المنثور سیوطی به چشم می‌خورد.



(برای نمونه ر.ک: نوری، *فصل الخطاب*، بی تا: ۲۵۶). عسکری درخصوص سند اکثر روایات این چنینی می گوید: «فی سند روایه السیاری الهالک: محمد بن علی (أبوسمینه) ضعیف غال کذاب، وعلی بن حماد مجهول حاله، أو متهم، وعمیر تصحیف عمرو بن شمر کما جاء فی نستختنا من القراءات، وهو ضعیف جداً کان من الذین زادوا فی کتب جابر» (ر.ک: عسکری، *القرآن الکریم و روایات المدرستین*، ۱۴۱۶: ۵۲۹/۳). این روایت صرف نظر از متنش، به لحاظ رجالی مشکل جدی دارد و امثال چنین روایتی به عنوان قرائتی از معصوم (ع)، قابل قبول نخواهد بود.

نتیجه گیری

۱. قرائت در لغت به معنای جمع کردن بوده و در اصطلاح علمی است که به وسیله آن چگونگی ادای کلمات قرآن چه در مواردی که تلفظ مشترک میان همه قاریان است و چه در موارد اختلاف، با استناد به ناقل آن شناخته می شود و همگی نقل ها در راستای دستیابی به تلفظ پیامبر (ص) است.
۲. اختلاف قرائت در *البرهان* با توجه به شکل ظاهری کلمات شامل: اختلاف در نوع حرف، اختلاف در داشتن یا نداشتن تشدید، اختلاف در حرکات کلمه، اختلاف در بودن یا نبودن یک حرف، اختلاف در قرار گرفتن کلمه ای به جای کلمه دیگر، اختلاف در تقدیم و تأخیر و یا جابه جایی کلمات، اختلاف در حذف یا حضور یک کلمه یا جمله در آیه، و اضافات کلمات و عبارات و جملات به متن قرآن است.
۳. روایات اضافات کلمات و عبارات و جملات به متن قرآن شامل: روایات اضافه شدن عبارات تفسیری و روایات اضافه شدن نام معصومان (ع) «فی علی (ع)»، «آل محمد (ع)»، «ذکر اسامی معصومان (ع)» است که موارد مذکور از نظر سندی مخدوش بوده یا در زمره تفسیر مزجی محسوب می گردند.
۴. روایاتی که دلالت بر افزایش برخی واژگان دارند، اعم از روایات اضافه شدن عبارات تفسیری و روایات اضافه شدن نام معصومان (ع) که تنزیل قرآن را می رساند، بیانگر تفسیر معصومان (ع) از آیات یا وحی بیانی اند.
۵. اختلاف قرائت معصومان (ع) در *البرهان* با توجه به تأثیرگذاری در معنای کلام الهی شامل قرائت بی تأثیر در معنا و قرائت مؤثر در معنا است.
۶. تفسیر مزجی به تفسیری گفته می شود که مفسر مطالب تفسیری خود را بسیار کوتاه

و موجز در اثنای کلام الهی ذکر می‌کند و اینکه قرائت با تفسیر قرآن ممزوج باشد، در صدر اسلام مایه اختلاف قرائت می‌شد. در حالی که در البرهان که محصول قرن یازدهم می‌باشد انعکاس یافته است و این به سبب محض بودن تفسیر روایی وی است.

۷. قرائتی را که از نظر سند، متن یا هردو دارای ضعف باشد، قرائت ضعیف گویند که این قرائت‌ها حکم قرآن را ندارند، تا از تحریف مصون باشند و بنابراین با بررسی سند روایات دال بر این قرائات، ضعف آنها اثبات می‌شود. پس نباید در البرهان به این موارد پرداخته می‌شد که به نظر می‌رسد علت وجود این روایات نیز به همان روایی محض بودن تفسیر برمی‌گردد.



منابع:

۱. قرآن کریم، ترجمه، رضایی اصفهانی، محمد علی و همکاران، نخستین ترجمه گروهی قرآن کریم، قم: دار الذکر، ۱۳۸۴ ش
۲. ابن الجزری، منجد المقرئین و مرشد الطالبین، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۰۰ ق.
۳. ابن الغضائری، احمد بن حسین، رجال ابن الغضائری، قم: اسماعیلیان، ۱۳۶۴ ش.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دارالفکر؛ دارصادر، ۱۴۱۴ ق.
۵. افندی اصفهانی، عبدالله، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، قم: مطبعة الخيام، ۱۴۰۱ ق.
۶. ایزدی، مهدی، «نقد و فهم روایات تحریف در الکافی»، مجله پژوهش دینی، شماره ۱۷، ۱۳۸۷ ش.
۷. بابایی، علی اکبر، مکاتب تفسیری، تهران: سمت، ۱۳۸۱ ش.
۸. بحرانی، سیدهاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران: بنیاد بعثت، ۱۴۱۶ ق.
۹. بهشتی، ابراهیم، اخباری گری (تاریخ و عقاید)، قم: دارالحديث، ۱۳۹۰ ش.
۱۰. پاکتچی، احمد، تاریخ تفسیر قرآن کریم، تهران: انجمن علمی دانشجویی الهیات دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۷ ش.
۱۱. حسکانی، عبیدالله بن احمد، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، تهران: وزارت ارشاد اسلامی، ۱۴۱۱ ق.
۱۲. حلّی، حسن بن یوسف، خلاصة الأقوال فی معرفة الرجال، قم: الفقاهه، ۱۴۱۷ ق.
۱۳. حویزی، عبدعلی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، قم: اسماعیلیان، ۱۴۱۵ ق.
۱۴. خوئی، سید ابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، ترجمه سیدجعفر حسینی، قم: دارالتقلین، ۱۳۸۳ ش.
۱۵. دانی، عثمان بن سعید، التیسیر فی القراءات السبع، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۶ ق.
۱۶. دمیاطی البنا، احمد بن محمد، اتحاف فضلاء البشر فی القراءات الأربعة عشر، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۲ ق.
۱۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، دمشق: دارالقلم؛ بیروت: الدار الشامیة، ۱۴۱۲ ق.
۱۸. زرکشی، محمد بن عبدالله، البرهان فی علوم القرآن، بیروت: دارالمعرفة، ۱۴۱۰ ق.
۱۹. سیوطی، عبدالرحمن، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی



- نجفی، ۱۴۰۴ق.
۲۰. همو، *الیتقان فی علوم القرآن*، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۲۱ق.
۲۱. صدوق، محمد بن علی، *عیون أخبار الرضا (ع)*، بی جا: جهان، ۱۳۷۸ش.
۲۲. طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.
۲۳. طبری، محمد بن جریر، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۱۲ق.
۲۴. طوسی، محمد بن حسن، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: داراحیاء التراث العربی، بی تا.
۲۵. همو، *اختیار معرفه الرجال*، قم: مؤسسه آل البیت لإحياء التراث، ۱۴۰۴ق.
۲۶. همو، *تهذیب الأحکام*، تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۲۷. عسکری، سیدمرتضی، *القرآن الکریم و روایات المدرستین*، تهران: مجمع العلمی الاسلامی، ۱۴۱۶ق.
۲۸. عظیم زاده، فائزه و دیگران، *نگرشی نوین بر تاریخ و علوم قرآنی*، تهران: بنیاد قرآن، ۱۳۸۰ش.
۲۹. علوی مهر، حسین، *روش ها و گرایش های تفسیری*، تهران: اسوه، ۱۳۸۱ش.
۳۰. عیاشی، محمد بن مسعود، *کتاب التفسیر*، تهران: چاپخانه علمیه، ۱۳۸۰ق.
۳۱. فضلی، عبدالهادی، *مقدمه ای بر تاریخ قرائات*، ترجمه محمدباقر حجتی، تهران: اسوه، ۱۳۷۳ش.
۳۲. فیض کاشانی، ملامحسن، *تفسیر الصافی*، تهران: صدر، ۱۴۱۵ق.
۳۳. قرطبی، محمد بن احمد، *الجامع لأحكام القرآن*، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۶۴ش.
۳۴. قمی، علی بن ابراهیم، *تفسیر القمی*، قم: دارالکتب، ۱۳۶۷ش.
۳۵. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۶۵ش.
۳۶. مجلسی، محمدباقر، *بحار الأنوار*، بیروت: مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ق.
۳۷. معرفت، محمدهادی، *التفسیر والمفسرون فی ثوبه القشيب*، مشهد: الجامعه الرضویه للعلوم الإسلامیه، ۱۴۱۸ق.
۳۸. همو، *التمهید فی علوم القرآن*، ترجمه ابو محمد وکیل، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۱ش.
۳۹. نجاشی، احمد بن علی، *فهرست أسماء مصنفی الشیعه*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی،



۱۴۰۷ق.

۴۰. نوری، حسین بن محمدتقی، مستدرک الوسائل ومستنبط المسائل، قم: مؤسسه آل‌البیت(ع)، ۱۴۰۸ق.
۴۱. همو، فصل الخطاب فی تحریف کتاب رب الارباب، فایل pdf(نسخه خطی)، بی‌تا.

References

۱. The Holy Quran ,Translation of the Quran, Rezaei Isfahani, Mohammad Ali et al., The first group translation of the Holy Quran, Qom: Dar al-Dhikr, ۲۰۰۵.
۲. Ibn al-Jazri, Manjad al-Muqarayin and Murshid al-Talibin, Beirut: Dar al-Kitab al-Alamiya, ۱۴۰۰.
۳. Ibn al-Ghazaeri, Ahmed bin Hossein, Rizal Ibn al-Ghazaeri, Qom: Ismailian, ۱۳۶۴.
۴. Ibn Manzoor, Muhammad Ibn Makram, Lasan al-Arab, Beirut: Dar al-Fakr; Dar Sader, ۱۴۱۴.
۵. Effendi-Esfahani, Abdullah, Riaz al-Ulama wa Hayaz al-Fazla, Qom: Al-Khayyam Press, ۱۴۰۱.
۶. Yazidi, Mahdi, "Criticism and Understanding of Tahrif Hadiths in Al-Kafi", Journal of Religious Research, No. ۱۷, ۲۰۱۷.
۷. Babaei, Ali Akbar, Tafseari Schools, Tehran: Samit, ۲۰۱۱.
۸. Bahrani, Seyed Hashim, Al-Barhan in Tafsir al-Qur'an, Tehran: Ba'ath Foundation, ۱۴۱۶.
۹. Beheshti, Ibrahim, Journalism (History and Beliefs), Qom: Dar al-Hadith, ۱۳۹۰.
۱۰. Paktachi, Ahmad, History of Tafsir of the Holy Qur'an, Tehran: Theology Student Association of Imam Sadiq University (AS), ۲۰۱۷.
۱۱. Haskani, Obaidullah bin Ahmad, Evidences of Al-Tanzil for the Rules of Al-Tafazil, Tehran: Ministry of Islamic Guidance, ۱۴۱۱.
۱۲. Hali, Hassan bin Yusuf, Summary of sayings in the knowledge of men, Qom: al-Fiqahah, ۱۴۱۷.
۱۳. Hawizi, Abd Ali bin Juma, Tafsir Noor al-Saghalin, Qom: Ismailian, ۱۴۱۵.
۱۴. Khoei, Saidabul-Qasim, Al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an, translated by Seyyed Jaafar Hosseini, Qom: Dar al-Saqlain, ۱۳۸۳.



۱۵. Dani, Othman bin Saeed, al-Taysir fi al-Qarayat al-Saba, Beirut: Dar al-Kitab al-Alamiya, ۱۴۲۶.
۱۶. Damiat al-Banna, Ahmad bin Muhammad, Ithaaf Fazla al-Bashr fi Qarayat al-Ashar, Beirut: Dar al-Kitab al-Alamiya, ۱۴۲۲.
۱۷. Ragheb Esfahani, Hossein bin Mohammad, Fardat al-Faz al-Qur'an, Damascus: Dar al-Qalam; Beirut: Eldar al-Shamiya, ۱۴۱۲.
۱۸. Zarakshi, Muhammad bin Abdullah, al-Barhan fi Uloom al-Qur'an, Beirut: Dar al-Marefa, ۱۴۱۰.
۱۹. Siyuti, Abdur Rahman, Al-Dur al-Manthur fi Tafsir al-Mathur, Qom: Ayatollah Murashi Najafi Library, ۱۴۰۴.
۲۰. Siyuti, Abdur Rahman, Al-Iqtan fi Uloom al-Qur'an, Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi, ۱۴۲۱.
۲۱. Sadouq, Muhammad bin Ali, Ayoun Akhbar al-Reza (pbuh), Bija: Jahan, ۱۳۷۸.
۲۲. Tabarsi, Fazl bin Hassan, Majma al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an, Tehran: Nasser Khosrow, ۱۳۷۲.
۲۳. Tabari, Muhammad bin Jarir, Jami al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an, Beirut: Dar al-Marafa, ۱۴۱۲.
۲۴. Tusi, Muhammad bin Hassan, Al-Tabyan fi Tafsir al-Qur'an, Beirut: Darahiya al-Tarath al-Arabi, undated.
۲۵. Tusi, Muhammad bin Hasan, Ikhtit Marafah al-Rajal, Qom: Al-Al-Bayt Foundation for the Revival of Tradition, ۱۴۰۴.
۲۶. Toosi, Muhammad bin Hassan, Tahdhib al-Ahkam, Tehran: Dar al-Kitab al-Islamiyya, ۱۴۰۷.
۲۷. Askari, Seyd Morteza, Al-Qur'an al-Karim and Narayaat al-Mudrestin, Tehran: Majmam al-Elami al-Islami, ۱۴۱۶.
۲۸. Azimzadeh, Faizeh and others, a new perspective on Quranic history and sciences, Tehran: Quran Foundation, ۱۳۸۰.
۲۹. Alavi Mehr, Hossein, methods and interpretive trends, Tehran: Asveh, ۱۳۸۱.

۳۰. Ayashi, Mohammad Bin Masoud, Kitab al-Tafseer, Tehran: Elmiyeh Printing House, ۲۰۱۰.
۳۱. Fazli, Abdul Hadi, An introduction to the history of readings, translated by Mohammad Baqer Hojjati, Tehran: Asveh, ۱۳۷۳.
۳۲. Faizkashani, Hilmasan, Tafsir al-Safi, Tehran: Sadr, ۱۴۱۵.
۳۳. Qortubi, Muhammad bin Ahmad, Al-Jamee Lahakma al-Qur'an, Tehran: Nasser Khosrow, ۱۳۶۴.
۳۴. Qomi, Ali Ibn Ibrahim, Tafsir al-Qami, Qom: Darul Kitab, ۱۳۶۷.
۳۵. Kalini, Mohammad bin Yaqub, Al-Kafi, Tehran: Dar al-Kutb al-Islamiyya, ۱۳۶۵.
۳۶. Majlesi, Mohammad Baqer, Bihar Anwar, Beirut: Al-Wafa Foundation, ۱۴۰۴.
۳۷. Marfat, Mohammad Hadi, Al-Tafsir and Al-Mafsirun fi Thawba al-Qashib, Mashhad: Al-Razwieh University of Islamic Studies, ۱۴۱۸.
۳۸. Marfat, Mohammad Hadi, Al-Tamhid fi Uloom al-Qur'an, translated by Abu Mohammad Vakili, Tehran: Islamic Propaganda Organization, ۱۳۷۱.
۳۹. Najashi, Ahmed bin Ali, list of names of the authors of Shi'a, Qom: Al-Nashar al-Islami Publishing House, ۱۴۰۷.
۴۰. Nouri, Hossein bin Mohammad Taqi, Mustardak al-Wasail wa Mustbant al-Masal, Qom: Al-Al-Bayt Institute, ۱۴۰۸.
۴۱. Nouri, Hossein bin Mohammad Taqi, chapter of the speech in the distortion of the book Rab al-Arbab, pdf file (manuscript), undated.